



مفهوم شناسی

برنامه‌ریزی از جمله واژگانی است که آدم هم می‌داند چیست و هم نمی‌داند. هم می‌توان درباره آن بی‌هدف و بی‌مورد حرف زد و آسمان و ریسمان را به هم بافت و کلی درباره آن نتیجه‌گیری کرد، و یا حرفی نزد و نتیجه‌ای هم نگرفت.

برنامه‌ریزی همه نوعش خوب است؛ فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. مفهومی است هم یک‌سویه و فردی و شخصی، و هم دوسویه که همکاری، همیاری و کمک دیگران را می‌طلبد.

برنامه‌ریزی گاهی با واژه مدیریت همراه می‌شود: «مدیریت و برنامه‌ریزی» و گاهی نیز با واژه کارآمد: «مدیریت و برنامه‌ریزی کارآمد». «مدیریت و برنامه‌ریزی کارآمد از شرایط لازم توسعه و تعادل اقتصادی در جوامع توسعه‌یافته و پیشرفته است. برنامه‌ریزی، مدیریت و حسابگری، دو رکن اساسی اقتصاد جامعه و معیشت افرادند.

برنامه‌ریزی و مدیریت کلان کشور

زمانداران و مدیران لایق و شایسته، به مدیریت، کارآمدی و برنامه‌ریزی توجه‌ای ویژه دارند و در این راه سرمایه‌گذاری‌های فکری و مادی بسیاری می‌کنند. برنامه‌های توسعه کلان کشور در یک چشم‌انداز ۲۰ یا ۴۰ ساله نوشته می‌شود و همه سمت و سوی حرکت جامعه بدان معطوف می‌شود. در این زمینه از مدیران لایق و کارآمد کمک می‌گیرند. اگر جامعه‌ای گرفتار مسئولان بی‌تدبیر و بی‌برنامه‌ای شود، آن جامعه به زودی به سوی اضمحلال و فروپاشی خواهد رفت.

برنامه‌ریزی و خانواده

در نهادهای کوچک‌تر مثل خانواده نیز برنامه‌ریزی ضروری است. مدیر کارآمد منزل همواره با برنامه‌ریزی دقیق و درست، علاوه بر تامین نیازهای جاری و هزینه‌های روزآمد قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی، در پی تامین رفاه و نیازهای غیرضروری افراد خانواده بر می‌آید. در غیر این صورت، باید تمام عمر اعضای خانواده با فقر، فلاکت، رکود، بیماری و رنج دست و پنجه نرم کنند.

برنامه‌ریزی و زندگی فردی

در زندگی فردی نیز برنامه‌ریزی حایز اهمیت و همچون چسب زندگی است. قطعاً دانش‌آموزی به منزلت و موفقیت جدید دانشجویی خواهد رسید که با برنامه‌ریزی درست و



برنامه‌ریزی؛ چسب زندگی

محمد فولادی

اصولاً، حتی افراد بیکار، عاطل و باطل و علاف نیز در بیکاری خویش نیازمند هدف، برنامه و برنامه‌ریزی هستند!

سبب شده، و با مطالعه عمیق به رشته مورد علاقه خود در دانشگاه برسد. هرگز مشاهده نشده که فرد یا جامعه‌ای بدون تلاش و برنامه به قله‌های رفیع توسعه و پیشرفت نایل آیند. زندگی همه افراد موفق رهین داشتن هدف، برنامه و برنامه‌ریزی درست است.

هدف و برنامه، پیش شرط برنامه‌ریزی

اصولا هر نوع جهش، پیشرفت و تحولی در زندگی بدون تلاش، کوشش و برنامه‌ریزی تحقق نمی‌یابد. اصولا بازی در هر نقشی در زندگی اجتماعی، نیازمند داشتن هدف، برنامه و برنامه‌ریزی حسابگرانه برای رسیدن به آن دو است. هرگز بدون برنامه‌ریزی نمی‌توان به هدف و یا برنامه‌ای نائل آمد.

برای مثال، حتی گدایی کردن نیز نیازمند برنامه‌ریزی، داشتن هدف و برنامه است. موفقیت در این حرفه نیازمند اصل کج و کوله بودن، شل و وارونه راه رفتن و داشتن قیافه‌ای مفلوک است! این گونه شکل و تمایل، اولین رمز و راز موفقیت در حرفه تکدی‌گری است که بدون برنامه‌ریزی بدان نتوان رسید و اصولا موفقیت‌چندانی نخواهد داشت.

برنامه‌ریزی، نمک و رب گوجه فرنگی

در این که برنامه‌ریزی اصولا در اصطلاح چسب به چسب زندگی اجتماعی است، شکی نیست. برنامه‌ریزی در همه عرصه‌های زندگی فردی و جمعی همچون نمک، رب گوجه فرنگی، سس مایونز و پنیری است که در هر سوپ‌مارکتی یافت می‌شود و اختصاص به زمان و مکان خاصی هم ندارد. می‌توان آن را به وفور در هر سوپ‌مارکت، سبزی‌فروشی، زرگری، ماهی‌فروشی، پارچه‌فروشی، اداره، کارمند، کارگر، بیمارستان، خوابگاه دانشجویی، در میان کارگران، کارمندان، دانشجویان، معلمان حتی افراد بیکار و علاف و . . . یافت. اصولا، حتی فرد بیکار، عاطل و باطل و علاف نیز در بیکاری خویش نیازمند هدف، برنامه و برنامه‌ریزی است؛ البته، اصل و برنامه در اینجا بر عدم نظم و انضباط است. به اصطلاح صرف دیدن کافی نیست، و تماشای برنامه‌ریزی زندگی دیگران دردی را دوا نمی‌کند و گاهی از کار کسی نمی‌گشاید. رمز و راز موفقیت در زندگی در گروی داشتن هدف و برنامه و برنامه‌ریزی برای تحقق آن است.

دو نکته

برای روشن شدن عمیق مساله، و اهمیت برنامه‌ریزی در زندگی به دو نکته زیر توجه کنید.

الف) کسب منزلت اجتماعی

هر فردی برای کسب سرمایه و منزلت اجتماعی، و بازی نقش یک فرد با شخصیت و با پرستیژ، نیازمند برنامه‌ریزی درست در چند زمینه و عرصه است. در واقع، اگر فردی بخواهد فردی دارای منزلت اجتماعی بالا باشد، با برنامه‌ریزی و طی فرایند زیر می‌تواند به آن برسد:

۱. تیپ شخصیتی خاص

فردی که قرار است یک فرد متمدن و صاحب سرمایه و به

همان‌طور که دانشگاه باید جایگاه علم و منبع تراوش علم و دانش باشد و دانشگاه بی‌دانش فقط یک گاه و همچون فستجان بی‌جان و بی‌فایده است، دانشجوی بی‌برنامه و بی‌هدف نیز همچون یک سیب‌زمینی است. به راستی دانشجوی باید سیب‌زمینی نباشد و این نیازمند برنامه‌ریزی است. دانشجوی باید با برنامه و هدف از پیش طراحی شده، دانشجوی شود و دانشجوی باشد

است. فردی که خواهان منزلت اجتماعی است، باید دارای قدرت تعامل بالا و ارتباط مستمر با افراد و شخصیت‌های ذی نفوذ باشد.

ب) دانشجوی یا سیب زمینی؟!

همان‌طور که دانشگاه باید جایگاه علم و منبع تراوش علم و دانش باشد و دانشگاه بی‌دانش فقط یک گاه و همچون فستجان بی‌جان و بی‌فایده است، دانشجوی بی‌برنامه و بی‌هدف نیز همچون یک سیب‌زمینی است. به راستی دانشجوی باید سیب‌زمینی نباشد و این نیازمند برنامه‌ریزی است. دانشجوی باید با برنامه و هدف از پیش طراحی شده، دانشجوی شود و دانشجوی باشد.

دانشجوی با هدف و برنامه‌ای که سیب‌زمینی نیست، دارای خصوصیتی است.

(۱)

خصوصیات اول دانشجوی واقعی آرمان‌گرایی در مقابل مصلحت‌گرایی است؛ عشق به آرمان‌ها و مجذوب آرمان‌ها شدن.

انسان بی‌برنامه و هدف و کوتاه‌بین، همواره جلوی پای خود را می‌بیند، آینده‌نگر نیست، لذا آرمان‌ها را دور دست و غیرقابل دستیابی می‌بیند. دانشجوی واقعی، آرمان‌گرا است؛ در محیط علم و دانشگاه آرمان‌ها محسوس، ملموس و قابل دسترسی است.

(۲)

صدق و صفا و سوال و پرسش، دومین خصوصیت دانشجوی است. در محیط دانشگاه و در میان دانشجویان، کلک، حيله، تقلب بسیار کم‌رنگ است، بلکه اصلا وجود ندارد.

در زندگی رایج غیردانشجویی، و در محیط تجارت، سیاست و بده و بستان‌های اجتماعی، هر کسی هر حرفی که می‌زند مواظب است به ریش کسی برنخورد، و با احتیاط و محافظه‌کاری تمام، حرفی را می‌زند و منتظر است از این حرف چیزی بهره بگیرد. اما در محیط دانشگاه و در حرکت دانشجویی، حرف و سوال و پرسش را از روی صفا و صدق و برای درست بودنش برای کشف یک مجهول و واقعیت پنهان می‌زنند. نه از روی مصلحت و رضایت کسی.

(۳)

احساسات، تفکر، تعقل و تدبیر از دیگر ویژگی‌های دانشجوی است. این خصوصیت ذاتی محیط دانشگاه و دانشجویست. در محیط دانشگاه و در میان دانشجویان نباید احساسات حکومت کند، بلکه علاوه بر احساسات، منطق و تفکر و بینش تحصیل و تعقل، تامل، تفکر هم وجود دارد. البته با شدت و ضعف قابل قبول.

همه فرایند فوق نیازمند برنامه‌ریزی جدی و دقیق است. از دانشجوی سیب‌زمینی تا دانشجوی واقعی شدن به‌راستی هدف، انگیزه، حرکت، برنامه و تلاش مضاعف نیاز داریم. دانشجوی بی‌برنامه و بدون برنامه‌ریزی در زندگی دانشجویی همچون سیب‌زمینی است.

اصطلاح صاحب کیش و شخصیت باشد، باید افزون بر کسب کمالات و دانش‌های ویژه دارای تیپ شخصیتی خاصی نیز باشد. چنین فردی نمی‌تواند در منظر عمومی همانند عامه مردم، بدون کت و لباس اتوکرده ظاهر شود. باید با تیپ شخصیتی خاص و با پیراهن و کت و شلوار اتوکرده و مثلا کیف سامسونت در منظر عمومی ظاهر شود. آرام آرام راه رفته با تلفن همراه زیاد صحبت کند، سوار ماشین مدل بالا شود و... این‌ها جملگی از ویژگی‌های چنین شخصیت‌هایی است که باید با برنامه قبلی بدان رسید.

۲. سیاست و کیاست

امروزه هرچند «سیاست» مثل «گوشت» و یا اصطلاحاتی مثل همین «برنامه‌ریزی» در هر عطاری و بقالی یافت می‌شود و تقریبا در هر سید غذایی وجود دارد؛ (میزان آن بسته به جیب صاحب خانه ها، تعداد نان خورها و گیاه‌خوار یا گوشت‌خوار بودن آنها متفاوت است) با این‌حال، سیاست و کیاست همواره کاری بوده و حلال بسیاری از مشکلات زندگی است.

فرزند یک سرمایه‌دار یا ولیعهد یک حکومت شاهنشاهی، اگر کیاست و سیاست داشته باشد و به اصطلاح زرنگ باشد، می‌تواند با کیاستی که دارد و سیاستی که به خرج می‌دهد، با افراد ارتباط برقرار کرده و تا آخر عمر خود را بیمه و وارث ارث پدری و یا تخت و تاج شاهی نماید.

برای رسیدن به این هدف و مقصد، برنامه‌ریزی لازم است و نیازمند هنر نقش‌آفرینی و فردی سیاستمدار است.

۳. تعامل اجتماعی

برخورداری از منزلت اجتماعی و یا موفقیت در زندگی، نیازمند برنامه‌ریزی صحیح و برقراری تعامل و ارتباط است. برقراری ارتباط، هنر و در گران بهایی است که امروزه به غلط از آن، پاچه‌خواری یا زبان بازی تعبیر می‌شود، روان‌شناسان معتقدند، که زبان یکی از ابزارهای مهم برای تیغ زدن، شیریه مالیدن، موش‌مردگی و غیره است! اصولا رمز و راز موفقیت یک مغازه دار و کاسب، داشتن هنر تعامل اجتماعی و قدرت برقراری ارتباط با اقشار مختلف است.

جملگی این شرایط و بازی هنرمندانه نقش‌های فوق، نیازمند داشتن برنامه، هدف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن